خبر ویژه

رییس پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص‌پژوه تاکید کرد

مترو، تقابل فرصت‌ها و تهدیدها در دل کلانشهرها

● **شرق،** داوود شیخ‌جبلی، رییس پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص‌پژوه گفت: گسترش حمل‌ونقل از طریق مترو می‌تواند تقابل فرصت‌ها و تهدیدها را در دل کلانشهرها ایجاد کند. ساختار مدیریت شهری در کلانشهرهای ایران مانند پازلی است که چند قطعه کلیدی آن گم و سبب شده تا نتوان آنطور که باید از روش‌های خلاق مدیریت شهر با استفاده از روش‌های نوین بهره برد. کلانشهرهایی همچون اصفهان و تهران دارای ساختاری ناهمگن و نامتناسب با مدیریت شهری هستند و سال‌هاست که اندر خم یک کوچه برای ساماندهی این مقوله مانده‌اند. مدیریت شهری در کلانشهرهای ایران به‌خصوص اصفهان باید با تفکر باز و بدون در نظر گرفتن تعصبات داخلی پیش برده شود تا در سایه این اقدامات به نتیجه‌های مطلوب دست پیدا کنیم. استفاده از روش‌های پژوهشی در کنار اجراییات می‌تواند به‌مراتب، بازدهی طرح‌های در دست اقدام را بالا برده و بر سرعت انجام آن بیفزاید. احیای بافت‌های فرسوده، پرداختن به بخش حمل‌ونقل عمومی (قطار شهری) مترو، اتوبوس تندرو (بی‌آرتی) و تراموا، عمران و آبادی، طرح‌های فرهنگی و اجتماعی از ایده‌آل‌های یک مدیریت شهری است که متاسفانه در اکثر اوقات به‌صورت حلقه مفقوده مانده است و اگر با برنامه‌ریزی دقیق به آن پرداخته می‌شد می‌توانستیم آینده‌ای زیبا و قابل توصیف را برای کلانشهری همچون اصفهان ترسیم کنیم. در میان این حلقه مفقوده می‌توان به داستان حمل‌ونقل عمومی در کلانشهرها اشاره کرد که هم‌اکنون قطار شهری یا به قول امروزی‌ها مترو، توانسته جایگاه بالایی را در این حوزه به دست آورد، ولی با این تفاوت که در ایران تنها اسم‌ورسم این بخش حمل‌ونقلی مدنظر قرار گرفته شده است.

ارزیابی ۶ استاد مطرح دانشگاه از کارنامه میلی‌منفرد

شرق: جلسه رای اعتماد به وزرای پیشنهادی رییس دولت یازدهم از امروز و با سازوکار معین قانونی در صحن علنی مجلس آغاز و احتمالا تا پایان هفته منجر به قطعی‌شدن ترکیب کابینه روحانی می‌شود. این درحالی است که طی چند روز گذشته برخی رسانه‌های اصولگرا انتقاداتی را به عملکرد وزیر پیشنهادی علوم مطرح کرده‌اند. بر همین اساس شش نفر از استادان دانشگاهی در گفت‌وگو با «شرق» نظرات خود در رابطه با وزیر علوم پیشنهادی دولت یازدهم جعفر میلی‌منفرد را ارایه کرده‌اند.

محمد خوش‌چهره، استاد دانشگاه: قطعا وزیر علوم پیشنهادی دولت آقای روحانی از وزرای دولت‌های نهم و دهم بهتر و صاحب برنامه‌هایی است که باعث می‌شود استقلال دانشگاه‌ها احیا شود. در مجموع وزرا از نظر تجربه کار جمعی و صداقت نسبت به دولت‌های نهم و دهم برتری دارند.

دکتر رضا منصوری، معاون پژوهشی وزارت علوم در دولت اصلاحات: خرد مدرن به ما می‌گوید در مسایل پیچیده اجتماعی قبل از هر چیز باید مساله را به بحث گذاشت. روی فرآیند تصمیم‌سازی فکر کرد که چگونه باید گفتمانی را در جامعه‌ای خاص مطرح کرد. چگونه باید این مباحث را خلاصه کرد و از دل آن به تصمیمی مناسب رسید و بعد چگونه آنها را اجرا کرده، محک زد و در نهایت اصلاح کرد. عدم استفاده از چنین الگویی در وزارت علوم باعث شده که هیچ سیاستگذاری‌ای چه خوب، چه بد به سیاستی معقول تبدیل نشود، بر همین اساس انتخاب وزیر علوم کارآمد در این وزارتخانه ضرورت دارد به نظرم میلی‌منفرد یکی از بهترین گزینه‌هاست.

اخوان، عضو هیات‌علمی دانشگاه امیرکبیر: اساتید دوست دارند جو آرامی بر دانشگاه‌ها حاکم باشد تا بتوانند حرفشان را بزنند و این جرات را داشته باشند تا حین تدریس به مصادیق عینی موضوع مربوطه اشاره کنند. دانشجویان هم می‌خواهند بدون دغدغه مسایل صنفی خود را پیش ببرند. در گذشته این امکان را نداشتیم که اشکالات وزیر علوم را بازگو کنیم زیرا یا از کار برکنار می‌شدیم یا کلاس‌هایمان را تعطیل می‌کردند. همچنین اینطور بود که اگر وزیر علوم و رییس دانشگاه موافق موضوعی بودند همه باید از آن حمایت می‌کردند در غیر این صورت برای دانشجو یا استاد مشکل پیش می‌آمد.

کریم زارع، عضو شورایعالی انجمن اسلامی فارغ‌التحصیلان اروپا، آمریکا و اقیانوسیه: از سال ۶۳ تا ۷۰ که دبیر هیات مرکزی گزینش استاد در شورایعالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشتم، پرونده کلیه افرادی که استخدام شده‌اند را حداقل سه بار یعنی در مراحل صلاحیت عمومی، صلاحیت علمی و رای‌گیری در هیات مرکزی گزینش استاد مطالعه و بررسی کرده‌ام. میلی‌منفرد نیز بعد از سال ۶۳ استخدام شد که با اشراف کامل در پرونده ایشان اعلام می‌کنم که نه‌تنها نقطه مبهم و ضعفی در فعالیت‌های وی ندیدیم، بلکه کارنامه‌شان سرشار از موفقیت است. از سال ۷۰ تا ۷۴ که در چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی نایب‌رییس کمیسیون آموزش بودم، دکتر منفرد در مسوولیت‌هایی نظیر معاون دانشجویی وزیر علوم و معاون پژوهشی دانشگاه امیرکبیر فعالیت می‌کرد، در آن زمان هم هیچ‌گاه نگاه منفی به عملکرد ایشان نداشتیم. با دیدگاه‌های تخصصی میلی‌منفرد، نهادینه‌سازی عملی و اجرایی ارتباط صنعت و دانشگاه که آرزوی بیش از سه دهه متولیان جمهوری اسلامی ایران است، محقق می‌شود.

سعید معیدفر، استاد بازنشسته دانشکده علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران: ایشان سابقه کار در وزارت علوم در سطح معاونت و سرپرستی را داشته و فردی مدیر است که در عین حال دانشگاهی است و مدتی در دانشگاه حضور داشته است و با توجه به کار کارشناسی رییس‌جمهور و حمایت بسیاری از استادان دانشگاه از کاندیداتوری ایشان که همچنان هم ادامه دارد، میلی‌منفرد بهترین گزینه برای تصدی وزارت علوم است. متاسفانه در هشت سال گذشته و خصوصا دوران منتهی به پایان دولت، وزارت علوم مانند سایر بخش‌ها بعد امنیتی به خود گرفت و در مواجهه با استادان و دانشجویان هر روز آن استقلال، پویندگی و نشاط، وضعیت وخیم‌تری یافت و فشار بر دانشجویان و اخراج و تعلیق آنها و منع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فشار بر اساتیدی که منتقد بودند و در عین حال شایستگی‌هایی داشتند، به شکل فزاینده‌ای بالا رفت. از طرف دیگر بحث تفکیک جنسیتی که برای جامعه و دانشگاه ضایعه محسوب می‌شد، فشار بر علوم انسانی، تعلیق، اخراج و ستاره‌دارکردن برخی دانشجویان و برخی اقدامات برای رفع استقلال دانشگاه‌ها ضربه‌ای مهلک به دانشگاهیان زده و بنابراین امروز دانشگاه‌ها فاقد نشاط و پویایی هستند و دانشگاهیان که آماده پذیرش مدیریت آن جامعه هستند، به حالت تعلیق درآمده‌اند.

سیدکمال‌الدین یادآورنیک‌روش، استاد دانشگاه: آقای میلی‌منفرد مدت‌ها در مقام معاونت وزارت علوم فعالیت کرده‌اند و حتی مدتی سرپرستی وزارتخانه را بر عهده داشتند بنابراین به این حوزه بسیار آشنا هستند به عبارت دیگر ایشان فردی ناوارد نیستند که بخواهند وزارتخانه را با روش آزمون و خطا اداره کنند. در هشت سال گذشته استقلال دانشگاه‌ها از بین رفت و وزارت علوم قدرت تحرک را از دانشگاه‌های بزرگ و مادر گرفت، به نظرم حضور دکتر میلی‌منفرد به عنوان استاد تمام می‌تواند بار دیگر استقلال از دست‌رفته را بازگرداند.

امروز؛ انتخاب ۳ گزینه اصلاح‌طلبان برای شهرداری

شرق، فاطمه جمال‌پور: امروز جلسه اعضای اصلاح‌طلب شورای شهر تهران برای انتخاب سه گزینه نهایی شهرداری تهران برگزار می‌شود. قرار است از میان فهرست ۱۷ نفره اعضای اصلاح‌طلب رای بدهند و گزینه‌هایی که بیش از پنج رای را کسب می‌کنند در کورس رقابت باقی بمانند. بعد از این انتخاب، از سه گزینه نهایی، برنامه خواسته می‌شود و فردی که جامع‌ترین برنامه را برای شهرداری تهران در ابعاد مختلف شهرسازی، اجتماعی، فرهنگی و... ارایه دهد به‌عنوان گزینه نهایی اصلاح‌طلبان به شورای شهرچهارم معرفی شود. در فهرست ۱۷ نفره اسامی‌ای همچون محسن هاشمی، محمدرضا عارف، معصومه ابتکار، احمد خرم، احمد بی‌طرف، محسن مهرعلیزاده، صفدر حسینی، مرتضی حاجی، عبدالعلی‌زاده، اصغر نصیری، علی‌اصغر احمدی، ارکانیان و... دیده می‌شود. «محمدمهدی تندگویان»، عضو شورای چهارم در پاسخ به سوال «شرق» مبنی بر اینکه آیا رای اصلاح‌طلبان شورای شهر به گزینه نهایی مورد اجماع قرارگرفته قطعی است؟ گفت: «بله قطعا اصلاح‌طلبان شورا به گزینه نهایی اصلاح‌طلبان رای خواهند داد.» وی در پاسخ به این سوال که آیا قالیباف گزینه نهایی اصولگرایان است؟ گفت: «بعید می‌دانم اصولگرایان روی قالیباف اجماع کنند چراکه چمران و نزدیکان وی نظر مثبتی به قالیباف ندارند.» تندگویان ادامه داد: «تاکنون افرادی همچون مهرعلیزاده، بی‌طرف، خرم، ابتکار، محسن هاشمی، مرتضی حاجی، عبدالعلی‌زاده، محسن رضایی و قالیباف از سوی اصلاح‌طلبان مطرح شده‌اند.» وی درباره چرایی مطرح شدن محسن رضایی و قالیباف از سوی اصلاح‌طلبان گفت: «این افراد از سوی برخی اعضای اصلاح‌طلب مطرح شده‌اند.» تندگویان در پاسخ به این سوال که آیا شخص وی نظر مثبتی روی قالیباف دارد، گفت: «خیر رای من قطعا قالیباف نیست.» وی ادامه داد: «فهرست اصلاح‌طلبان شورا به سیدمحمد خاتمی، رییس‌جمهور سابق هم ارایه شده است و وی همه را تایید کرد و گفت هر گزینه‌ای که اصلاح‌طلبان روی آن به اجماع برسند از سوی وی قابل تایید است.» از سوی دیگر «غلامرضا انصاری»، دیگر اصلاح‌طلب شورای چهارم با رد احتمال حضور محسن رضایی و قالیباف در فهرست اصلاح‌طلبان گفت: «یکی از ملاک‌های اصلاح‌طلبان برای انتخاب شهردار تهران همراهی با دولت است و شهرداری تهران در دوره گذشته از این امر بسیار متضرر شده است.»

وی افزود: «از سوی دیگر کلیت شورا به‌صورت جدی اعتقاد دارد که شهرداری تهران نباید سکوی پرتاب به ریاست‌جمهوری باشد چراکه در این صورت اهم و فی‌الاهم در اولویت‌های برنامه‌ها نادیده گرفته می‌شود و برخی برنامه‌ها که نمود پیدا می‌کند نسبت به برنامه‌هایی که به‌نفع مردم است در اولویت قرار می‌گیرد و به این ترتیب شهر دچار مشکل می‌شود.»

انصاری در ادامه گفت: «در این هفته اصلاح‌طلبان شورا گردهمایی‌ای با متخصصان حوزه‌های مرتبط با شهرداری و ان‌جی‌اوها دارند تا شاخص‌ها با آنها به شور گذاشته شود و تا زمان رای‌گیری فهرست گزینه‌های پیشنهادی باز است حتی می‌تواند به ۲۰ نفر هم برسد، اما پس از آن بر اساس شاخص‌ها سه تا پنج نفر به‌عنوان گزینه‌های نهایی انتخاب می‌شوند و از آنها برنامه خواسته می‌شود و سپس این برنامه افراد است که تعیین‌کننده است.» «محسن سرخو» از اعضای اصلاح‌طلب شورا هم در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه کاندیدای نهایی اصلاح‌طلبان برای شهرداری تهران این هفته اعلام می‌شود، گفت: «اصلاح‌طلبان برای شهردار آینده برنامه جدی دارند و شهردار آینده باید فردی باشد که تعاملات مثبتی با دولت و کابینه داشته باشد تا بتواند از دولت، سهمش را دریافت کند. برای نمونه ۵۰درصد از هزینه‌های ساخت مترو، ۸۲درصد از هزینه خرید اتوبوس و ۳۰درصد هزینه بلیت مترو باید توسط دولت تامین شود که در چند سال گذشته شهروندان به‌جای دولت آن را پرداخت کرده‌اند.» وی افزود: «قرار است میان اعضای اصلاح‌طلب رای‌گیری شود و افرادی که پنج رای بیاورند به‌عنوان نامزد مطرح شوند و البته باید خود افراد هم نسبت به این موضوع رضایت داشته باشند چون رای‌گیری میان گزینه‌های پیشنهادی صورت می‌گیرد.»

«محمد سالاری»، دیگر منتخب اصلاح‌طلب شورای چهارم هم در گفت‌وگو با «شرق» اظهار کرد: «قالیباف گزینه اصولگرایان است و اصلاح‌طلبان میان چهره‌های اعتدال‌گرا و اصلاح‌طلب رای‌گیری می‌کنند و با توجه به انسجام اصلاح‌طلبان و گرایش چهره‌های مستقل به اصلاح‌طلبان، برای گزینه نهایی اصلاح‌طلبان بیش از ۷۰درصد شانس قایل هستم»

هرچه زمان به موعد انتخاب شهردار تهران نزدیک‌تر می‌شود، شانس قالیباف در اردوگاه اصولگرایان هم کاهش می‌یابد. گویا ماه‌عسل قالیباف و چمران به پایان خود نزدیک می‌شود. چراکه خبرها حکایت از دیدار چمران با محسن هاشمی دارد و اجماع اصلاح‌طلبان بسیار زودتر از تشکیل شورا به‌وقوع پیوسته است. به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان از اشتباهات گذشته خود در شورا درس گرفته‌اند و به اهمیت صندلی شهردار در ساختمان بهشت پی برده‌اند و حال باید دید چه کسی به‌عنوان گزینه نهایی اصلاح‌طلبان برای شهرداری تهران انتخاب می‌شود چراکه گذر از هفت‌خوان معیارها در این مرحله، منتخب اصلاح‌طلبان را با وجود اختلافات اصولگرایان به شهرداری تهران بسیار نزدیک می‌کند.

بازتاب

توضیح «اکسیر»

● نظر به درج گزارش در صفحه ۶ شماره ۱۷۷۱ مورخ ۹۲/۴/۰۶ با نام شربت تریاک، داروی جدیدی که کمیاب شد. لطفا ترتیبی اتخاذ فرمایید تا جوابیه ذیل براساس قانون مطبوعات در همان صفحه مورد نظر چاپ گردد.

در گزارش فوق‌الاشاره، از قول دکتر فرید براتی نقل شده است که متادون و به‌خصوص یک مارک خاص (اکسیر) دارای کیفیت مطلوب نیست و اثربخشی لازم را ندارد. تمامی آنانی که با مقوله تولید دارو آشنایی دارند می‌دانند که در حین ساخت و پس از ساخت داروها به منظور بررسی کیفیت فرآورده‌های بینابینی و فرآورده نهایی تست‌های آزمایشگاهی استانداردی بنا به نوع هر فرآورده دارویی توسط سازمان‌های نظارتی وزارت بهداشت مشخص شده و می‌شود و سپس در محل ساخت دارو انجام می‌شود. نتایج تست‌های انجام‌شده به‌عنوان مستندات نگهداری می‌شود. تست‌های کنترل کیفیت فرآورده شربت متادون هم از این قاعده مستثنی نیست و تاکنون آزمایشگاه‌های کنترل کیفی این فرآورده هیچ‌گونه مشکلی را نشان نداده‌اند و در واقع کلیه استانداردهای وزارت بهداشت و ... رعایت گردیده است.

حال چنانچه آقای دکتر مزبور مطالعه‌ای مستند (آزمایشگاهی و بالینی) برای مقایسه ماده موثره متادون شرکت اکسیر با ماده موثره متادون‌های شرکت‌های دیگر انجام داده است، خوب است نتایج به دست آمده را ارایه نماید و در غیراینصورت در صورت عدم ارایه مستندات لازم این شرکت حق خود را مبنی بر شکایت در مراجع ذی‌صلاح محفوظ می‌داند و اکتفا به شنیده‌ها از چنین مسوولی را پسندیده نمی‌داند.

در بحث توزیع هم طبق اعلام نیاز شرکت‌های توزیع کننده و مقدار مشخص‌شده برای هر مرکز که توسط وزارت بهداشت انجام می‌پذیرد اقدام می‌گردد. بدیهی است این امر می‌تواند مربوط به عدم حضور سایر شرکت‌های تولیدکننده این دارو هم باشد که با مشخص‌شدن زمان و مکان که این کمبود در آن گزارش شده قابل بررسی می‌باشد.

و در پایان ای کاش مقامات با تامل و با دقت بیشتری سخن بگویند و زحمات شبانه‌روزی کارکنان و کارگران مجموعه‌های اینگونه را به راحتی زیر سوال نبرند.

علی ربیعی در گفت‌وگو با «شرق»:

کارگر و کارفرما سر یک سفره‌اند

ادامه از صفحه ۴

اکنون وزارت کار، سازمانی در مجموعه خود دارد به نام شستا که شرکت‌های عظیم و درآمدزایی دارد. وضعیت این شرکت‌ها، از نظر درآمدها و هزینه‌ها، و نیز مدیریت در چه وضعی است و نقش این سازمان در وزارت کار دولت یازدهم و مدیریت آن چگونه خواهد بود؟

شستا مجموعه‌ای بزرگ از هلدینگ‌های عمومی و تخصصی است و در شرایطی که بقیه بنگاه‌های کشور در فشار هستند، این مجموعه‌ها نیز به طرق مختلف تحت فشار هستند. اما فشار در شستا و سایر بخش‌های اقتصادی وزارتخانه و بالاخص سازمان تامین اجتماعی بیشتر است. اگر بنگاه‌های بخش خصوصی تحت فشار شرایط اقتصادی‌اند، لااقل تحت فشار ناشی از مناسبات سیاسی، مدیران سیاسی، عزل‌ونصب‌های مکرر و مواردی از این قبیل نیستند. زیرمجموعه‌های شستا تحت این فشارها نیز قرار دارند. غیرسیاسی‌کردن مدیریت شستا و شرکت‌های تابعه آن اصل اساسی عمل در این حوزه است. اما کارهای دیگری نیز باید صورت گیرد.

باید تمامی بنگاه‌ها و هلدینگ‌های شستا به کمک تیمی قوی از کارشناسان بازنگری شوند و شرکت‌های زیان‌ده، دارای تکنولوژی‌های قدیمی و ناکارآمد به‌سرعت شناسایی و تجدید ساختار و بازسازی در آنها صورت گیرد. فرآیند مدیریت این شرکت‌ها باید بازنگری و شرایط ایمن سرمایه‌گذاری و ایمنی اقتصادی در آنها رعایت شود. باید در سرمایه‌گذاری‌های آتی شستا به ترکیب سرمایه‌گذاری دقت شود. آمارها نشان می‌دهند بیش از ۶۰درصد سرمایه‌گذاری‌های شستا در صنایع پرریسک بوده است و با توجه به نقش شستا در تامین آینده جمعیت کثیری از مردم، باید به این مساله توجه جدی داشت. مجموعه‌ای از پروژه‌های نیمه‌تمامی وجود دارند که برخی طرح‌های ملی هستند و باید زودتر به اتمام برسند. سرمایه‌گذاری‌های استانی باید نظام‌مند و منضبط شوند. سامان درستی در فروش اموال و سهام شرکت‌های تابعه وجود ندارد و باید ساماندهی را به‌صورت جدی آغاز کرد. مبارزه با فساد نیز باید در راس برنامه‌های مدیریت شستا باشد. شفافیت‌بخشیدن به روابط شرکت‌ها و هلدینگ‌ها با بورس و فرابورس نیز باید در دستور کار قرار گیرد. از این دست مسایل خیلی زیاد است. نکته مهم این است که مدیریت فعلی شستا، رویکرد و ساختار این مدیریت در حدواندازه اهمیت و سهم شستا در اقتصاد ایران و سرنوشت وزارتخانه نیست. مهم‌تر اینکه عده‌ای از همین وضعیت سود می‌برند و تمایلی به اصلاحات ساختاری در مدیریت شستا ندارند. مقابله با این وضعیت آسان نیست.

یکی از مسایل حل نشده کارگری در کشور، تشکل‌های کارگری است. بالاخره تشکل‌های مستقل، حق اظهار وجود دارند و فعالان کارگری می‌توانند مطالبات کارگری را در مجاری غیرکنترل شده و رسمی پیگیری کنند یا خیر؟ آیا فضا برای این تشکل‌ها فراهم می‌شود؟

حق اظهارنظر تشکل‌ها و فعالان کارگری از اصول مطرح قانون اساسی است. نظر من به‌عنوان وزیر پیشنهادی این است که باید این تشکل‌ها مستقل‌تر شوند، از مداخله دولت در شکل‌دادن به این تشکل‌ها جلوگیری، و آزادی لازم مطابق قانون اساسی برای آنها فراهم شود. اگر مجلس به من رای اعتماد دهد، برای تحقق چنین اهدافی تلاش می‌کنم. سابقه حضور من در تشکل‌های کارگری نیز این را نشان می‌دهد. اما باید واقع‌بین باشیم و جامعه‌شناختی و تاریخی به مسایل نگاه کنیم. میزان تقویت تشکل‌های کارگری به‌شدت تحت‌تاثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران است. در سوالات قبلی هم توضیح دادم که نیروی اجتماعی کارگری تحت شرایط خاصی شکل می‌گیرد. البته دولت، نیروی موثری است و من از این نیروی موثر برای تقویت همه تشکل‌های جامعه کار اعم از کارگری و کارفرمایی استفاده خواهم کرد. پرامیدشدن نسبی فضا که اکنون تاحدودی در حال بروز است و امیدواریم در آینده نیز گسترش یابد، به این هدف کمک خواهد کرد. اما باز هم توجه داشته باشیم که تقویت تشکل‌ها فقط تابع حمایت قانونی و سیاسی نیست. مگر در همین دولت قبلی عده‌ای نکوشیدند تشکل‌های موازی کارگری درست کنند. آیا موفق شدند؟ اگر پاسختان منفی است، که من چنین نظری دارم، معنی‌اش این است که با مداخله سیاسی نمی‌توان تشکل درست کرد. تشکل‌های قوی در بستر اقتصادی پویا شکل می‌گیرند و البته تشکل‌های قوی‌تر، به سیاستگذاری عاقلانه‌تر و پویاترشدن اقتصاد کمک می‌کنند. قدرت تشکل‌ها برآمده از سهمشان در بازتولید نظام اقتصادی است و در شرایطی که کل اقتصاد مسیری قهقرایی داشته باشد، همه تشکل‌ها روبه‌زوال خواهند رفت.

در چنین شرایطی که دولت هم کمبود منابع دارد و سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های مرتبط با مشکلاتی روبه‌رو هستند، ابتدا باید رویکرد مدیریت وزارتخانه را اصلاح کنیم و وظایف رفاهی را در جایگاه مناسب خودشان قرار دهیم و توازنی میان ماموریت‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنیم. توجه بیشتر و علمی‌تر به بخش تعاون هم بخشی از این توازن است

وضع خود را در مجلس چگونه می‌بینید؟ فکر می‌کنید انتظارات نمایندگان از شما تا الان چه بود؟ و آیا فکر می‌کنید که بتوانید اعتماد نمایندگان را جلب کنید؟

پیش‌بینی کردن فضای مجلس کار راحتی نیست. انتظار نمایندگان محترم از وزرا حرکت بر مدار قانون و تلاش برای خدمت‌رسانی بیشتر به مردم است اما جهت‌گیری همه نمایندگان یکسان نیست. برخی بر مقولات تخصصی وزارتخانه تاکید دارند و می‌خواهند درباره برنامه‌ها قضاوت کنند. برخی از منظر سیاسی و مسایل گروهی و جناحی به وزیر نگاه می‌کنند. اما در کل نمایندگان دغدغه مسایل کشور را دارند و در کمیسیون‌های مختلف برنامه‌های وزیر را ملاحظه می‌کنند. در کل امید دارم با اتکال به خداوند و مساعدت نمایندگان محترم رای مجلس را برای ارایه خدمات شایسته به مردم به دست بیاورم.

بن کارگری و تعیین سالانه حقوق، یک معضل دیگر است، معضلی که هر سال تکرار می‌شود و تجربه نشان داده است که در همه این سال‌ها، دولت طرف کارفرماها را گرفته است. بالاخره راه‌حل مرضی‌الطرفین در این‌باره هست یا خیر؟ آیا دولت یازدهم به نرخ تورم بانک مرکزی خود برای تعیین حقوق کارگران پایبند خواهد بود یا تعیین آن را به مذاکره با کارگران و کارفرمایان موکول می‌کند؟

بخش مهمی از جواب سوال شما را قبلا ارایه کرده‌ام. اما به عنوان یک وعده مهم به مردم می‌گویم که اعتبار دفترچه‌های تامین اجتماعی که این روزها به شدت دچار بی‌اعتباری شده است را برمی‌گردانم. من معتقدم دولت طرف هرکدام از طرفین مناقشه را که بگیرد، سبب نارضایتی می‌شود. سند کار شایسته محصول تبلور خرد جمعی جهانیان درباره اینگونه مناقشات در جامعه کار است. وقتی این سند تاکید می‌کند که گفت‌وگوی اجتماعی درباره کار شکل بگیرد، یعنی جامعه جهانی کار به این نتیجه رسیده که مداخله مستقیم دولت و فشارآوردن برای تحقق یک تصمیم، راه‌حل پایداری ایجاد نمی‌کند. باید شرایط مذاکره را فراهم کرد و طرفین در شرایط مناسبی به تفاهم برسند. دولت‌ها می‌توانند شرایط تفاهم را نه با فشار به طرفین بلکه با سازوکارهای جبرانی فراهم کنند. اگر طرفین مذاکرات نمایندگان واقعی جامعه کار باشند و اعتماد و سرمایه اجتماعی لازم درخصوص آنها وجود داشته باشد، جامعه کار به توافقات پایبند می‌شود. اما نقش دولت در این وسط چیست؟ دولت باید به تداوم‌یافتن توافق و تامین شرایط پایبندی طرفین به توافقات تا رسیدن به یک تعادل جدید و بهتر برای طرفین کمک کند. بالاخره در فرآیند گفت‌وگو، هر کدام از طرفین برای رسیدن به برخی امتیازها از برخی خواسته‌ها و مطالبات حتی قانونی و به‌حق خود کوتاه می‌آیند. همیشه شرایط آنگونه که مطلوب شماست پیش نمی‌رود و مجبور می‌شوید برای به‌دست‌آوردن چیزی، چیزهای دیگری را رها کنید. اما این کار برای شما هزینه دارد. شاید کارگران برای حفظ توان تولیدی بنگاه‌ها و تداوم‌یافتن تولید، به از دست‌دادن بخشی از دریافتی‌های خود راضی شوند و توافق کنند. در این شرایط دولت می‌تواند از طریق نظام حمایتی، خسارت ناشی از این توافق را جبران کند. این اقدام نیز از آن جهت است که اگرچه سه‌جانبه‌گرایی اصل است اما نقش دولت ماهیتی متفاوت با دو ضلع دیگر دارد. برای دو ضلع دیگر منافع فردی و گروهی در اولویت است، اما برای دولت خیر جمعی در اولویت است. بنابراین دولت‌ها در همه جای دنیا با سیاست‌های مختلف برای مقاصد اجتماعی و تحقق خیر جمعی، هزینه‌های اقتصادی می‌پردازند. البته میزان آن به توان اقتصادی دولت‌ها بستگی دارد و این نوعی سرمایه‌گذاری درازمدت است. بنابراین معتقد نیستم دولت باید نقطه‌ای را از قبل تعیین کند و به اجبار طرفین رابطه کار را به سمت آن نقطه براند. دولت باید شرایط مذاکره، رسیدن به توافق تضمین‌کننده پایداری و جبران هزینه‌های ناشی از این توافق را به‌دلیل ماهیت نقش اجتماعی خود برعهده‌بگیرد.

بسیاری از منتقدان دولت قبل می‌گویند که در دولت قبلی با وجود شعار عدالت‌گستری، سیاست‌هایی که در حوزه اقتصاد اجرا شد بیشتر لیبرالیستی بود که به منافع کارگران و کارفرمایان نگاه یکسانی نداشت، نرخ سود، نظامات بانکی و حتی هدفمندی یارانه‌ها و مواردی از این دست که برآیند کلی آنها، چندان به نفع کارگران نبود. این روند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من به جهاتی با دیدگاه شما موافق نیستم. در اصل شما به‌گونه‌ای از واژه لیبرالیسم سخن می‌گویید و سیاست‌های دولت قبلی را لیبرالیستی می‌خوانید که دو پیش‌فرض در آن مستتر است. پیش‌فرض اول اینکه دولت قبلی برداشت روشنی از لیبرالیسم داشته، آن را فهم کرده بود و بر بنیان اندیشه و نظریه مشخصی از لیبرالیسم سیاستگذاری و عمل کرده است. تصور می‌کنم اصلا چنین چیزی وجود نداشته است. احتمالا هیچ سیاست مشخص برنامه‌ریزی‌شده‌ای که بر بنیان فهم دقیقی از نظریه‌های اقتصادی بنا شده باشد بر اقدامات دولت‌های نهم و دهم حاکم نبوده است. بیشتر اختصاصی‌سازی و فراهم‌کردن زمینه برای رانت‌جویی حاکم بوده است. لیبرالیسم، صرف‌نظر از اینکه چه قضاوتی درباره آن داشته باشید، به معنای فراهم‌کردن زمینه‌های تحقق اقتصاد بازار، به ساختار نهادی مناسب نیاز دارد. به قول برخی اقتصاددانان ایرانی، دولت در سال‌های گذشته بیشتر به تشدید وضعیت نابازار کمک کرده است نه خلق مناسبات نهادی لازم برای تحقق اقتصاد بازار که غالبا لیبرالیستی خوانده می‌شود.

در ضمن، مفروض می‌گیرید که... .

من نظر منتقدان را مطرح کردم در واقع نه اعتقاد خودم را...

بله به‌هرروو..... فرض این تحلیل بر آن است که این سیاست‌ها در راستای منافع کارفرمایان یا اکثریت کارفرمایان بوده است. در کجای دنیا فراهم‌شدن شرایطی که به تعطیلی بنگاه‌ها بینجامد به نفع کارفرماست؟ پرداخت‌نکردن سهم کارفرما از هدفمندی یارانه‌ها، اقدام به نفع کارفرماها بوده است؟ در کجای دنیا رکود تورمی که دولت نقش موثری در خلق آن داشته اقدام به نفع کارفرما به‌حساب می‌آید؟ می‌خواهم بگویم سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم به کارفرما و کارگر همزمان ضربه زده است.

یکی از مندرجات سوال شما هم این است که گویی یک نسخه واحد از لیبرالیسم و اقتصاد بازار وجود دارد. امروز در اقتصاد و اقتصاد سیاسی از نحله‌ای در مطالعات بالاخص نهادگرا سخن می‌گویند که با عنوان VOC یا «گونه‌های سرمایه‌داری» شناخته می‌شود. انواع سرمایه‌داری بر اساس ترتیبات نهادی مختلف از هم متمایز شده‌اند. تنظیم روابط کار در هر کدام از اینها شکل خاصی دارد و بنا بر شرایط اختصاصی هر نظام نهادی متفاوت است. بنابراین اصلا دوقطبی لیبرالیسم در مقابل سیاست‌های حمایت از کارگر معنای خاصی ندارد. نه لیبرالیسم واحدی وجود دارد و نه این دوقطبی معنادار است. خوشبختانه اقتصاددانان نزدیک به کابینه دکتر روحانی نیز از فراهم‌آوردن شرایط نهادی اقتصاد بازار سخن گفته‌اند.

شما به‌عنوان یک عضو اقتصادی کابینه جهت‌گیری دولت روحانی در اقتصاد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به‌نظر می‌رسد نئولیبرال‌ها دست‌بالا باشند.

جهت‌گیری دولت آینده به سوی اقتصاد مبتنی بر بازکردن فضا برای بخش خصوصی واقعی، نه شبه‌دولتی‌ها، تقویت تعاونی و چابک‌سازی فعالیت‌های اقتصادی ناگزیر بخش دولتی است. به چنین ترکیبی که برآمده از قانون اساسی است، نمی‌توان برچسب لیبرالیستی زد و طبیعی است که وزیر کار هم در همین راستا خواهد بود. اما باید مواظب باشیم که به هر اقدام مفید و موثری در جهت تقویت بخش خصوصی واقعی، برچسب‌هایی که سبب تخطئه آنها در جامعه می‌شود، نزنیم. توجه داشته باشیم که بسیاری از بهترین نظام‌های تامین اجتماعی که بیشترین ملاحظه نیروی کار را دارند در دل نظام‌های مبتنی بر اقتصاد خصوصی واقعی ایجاد شده‌اند. لیبرالیسم و بازار به خودی خود و بدون شرح و تفسیر و بیرون از نظام نظری‌ای که به آنها معنا می‌دهد، نباید مبنای قضاوت و ارزیابی قرار گیرند. همان‌گونه که کثیری به‌واژه عدالت دولت نهم و دهم دل بستند و به تعریف و ربط آن در دل یک نظام مفهومی دقت نکردند و دست آخر ناامید و زیان‌دیده شدند؛ امروز هم نباید بازار، بخش خصوصی و تسهیل فضای کسب و کار را بدون تعریف و دلالت‌های نظری و بنیان‌های نهادی‌اش دید و از ابتدا از آن ترسید یا به برچسب‌هایی متوسل شد که فقط ادامه کار را دشوار می‌کنند.

در کجای دنیا فراهم‌شدن شرایطی که به تعطیلی بنگاه‌ها بینجامد به نفع کارفرماست؟ پرداخت‌نکردن سهم کارفرما از هدفمندی یارانه‌ها، اقدام به نفع کارفرماها بوده است؟ در کجای دنیا رکود تورمی که دولت نقش موثری در خلق آن داشته اقدام به نفع کارفرما به‌حساب می‌آید؟ می‌خواهم بگویم سیاست‌های دولت‌های نهم و دهم به کارفرما و کارگر همزمان ضربه زده است

همانند سوالات این گفت‌وگو که البته نقدی است که به ما برمی‌گردد که همه سوالات درباره کارگران است، فکر نمی‌کنید که این وزارتخانه از وظایف تامین اجتماعی و رفاهی خود دور شده است؟ برای این بخش‌های رفاهی، تامین‌اجتماعی و تعاون وزارتخانه چه برنامه‌ای دارید و اساسا چه چیزی را تحویل می‌گیرید؟

در چنین شرایطی که دولت هم کمبود منابع دارد و سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های مرتبط با مشکلاتی روبه‌رو هستند، ابتدا باید رویکرد مدیریت وزارتخانه را اصلاح کنیم و وظایف رفاهی را در جایگاه مناسب خودشان قرار دهیم و توازنی میان ماموریت‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد کنیم. توجه بیشتر و علمی‌تر به بخش تعاون هم بخشی از این توازن است. از سوی دیگر، ما راهی نداریم جز اینکه کمبودهای منابع خود را به طرق مختلف از طریق جامعه مدنی جبران کنیم. رویکرد گسترش جامعه مدنی را باید با جدیت در این عرصه دنبال کنیم. اساسا نظام اقتصادی ما تحمل و توانایی ارایه خدمات